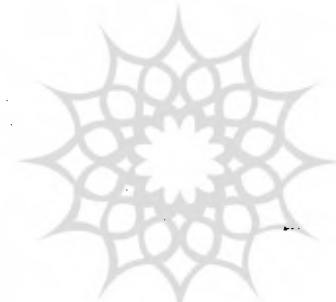


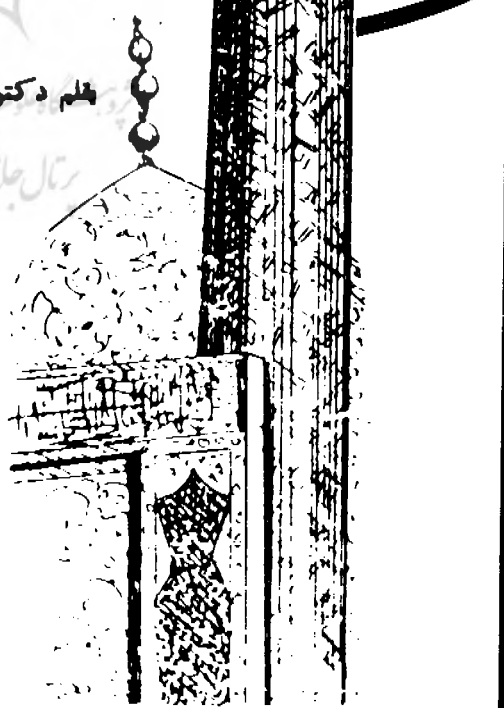
# ریت آنقر

## اخوان صفوا

مکتب کتب و نشر  
انجمن کتب و نشر  
انجمن کتب و نشر



پهلم دکتور محمد طهرانی



اخوان صفا گروه مشکل و ناشناخته بودند که در اوائل قرن چهارم هجری در شهر بصره ظهور کردند و از آنان حدود پنجاه و یک رساله بجای مانده که مشتمل بر علوم مختلف آن عصر می باشد باضافه «رساله الجاسعه» که خلاصه از همه آن رسائل است ، هويت اعضاى اين گروه که از دانشمندان برجسته عصر خود بودند کما لا روشن نيست و سوره خان و نويسندگان صراحتاً از آنان نام نبرده اند و اين خود مى رساند که سازمان اخوان صفا يعلى اوضاع اجتماعى و سياسى آن عصر جنبه سرى داشته و اين نکته تلويحاً از وسائل آنان استفاده مى گردد و معذالک برخى از سوره خان مانند

بی‌هتی در کتاب «تتمه صوان الحکمة» و ابوحیان توحیدی در کتاب «الاستاع والمؤانسة» و شهر زوری در کتاب «نزهة الارواح» دانشمندانی را از قبیل زید بن رفاعه، ابوسلیمان محمد بن معشر بستنی معروف به مقدسی، ابوالحسن علی بن هارون صابی، ابواحمد مهرجانی و ابوالحسن علی بن راسیناس عوفی را نام برده‌اند و ابوحیان توحیدی نیز خود از هواداران این گروه می‌باشد، اخوان صفا کوشیده‌اند که مسائل فلسفی را از دیدگاه مذهب مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و بین آن دو تلفیق و هماهنگی بوجود آورند و یک دوره از معارف عصر خود را بارنگ و پوشش فلسفه فیثاغورثی برجسته اسلامی عرضه نمودند و حتی در «رسالة الحیوان» که اقتباسی از سبک رمزی داستانهای «کلیله و دهنه» می‌باشد و نموداری از نقد اوضاع اجتماعی عصر اخوان صفا است طرز تفکر فلسفی در مفاهیم آن کاسلا مشهود است (۱) بهر حال آنچه مسلم است آنکه نهضت فکری اخوان صفا پدیده‌ای است از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی قرن چهارم هجری که در «رسالة الحیوان» بشدت مورد انتقاد قرار گرفته است و ابوحیان توحیدی بعنوان مؤید این گروه می‌گوید اخوان صفا کوشیده‌اند که از طریق نزهت و تزکیه نفس راه را برای نیل به سعادت اخروی هموار گردانند و آنان سردی پاکیزه سرشت بودند که بیکدیگر دست دوستی و الفت و مهربانی داده بودند (۲) و جمال الدین قفطی نیز می‌گوید عده‌ای بر آنند که اخوان صفازاده فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشند که به هواداری مذهب تشیع برخاسته‌اند و عده‌ای دیگر معتقدند که اینان از بزرگان متکلمین معتزله‌اند (۳)

و از آنجا که هدف اخوان صفا همانگونه که اشاره نمودیم نقد اوضاع اجتماعی قرن چهارم هجری بر مبنای اصول علمی و فلسفی می‌باشد با مذاق و طرز تفکر اغلب دانشمندان معاصر آنان سازگار نگردید و بشدت مورد حمله و انتقاد قرار گرفتند از آنجمله ابوسلیمان محمد بن بهرام منطقی سجستانی است که این گروه را سردی تهی مغز و یاهو گو می‌خواند (۴) و از این قبیل آراء و مطالب ضد و نقیض در باره رسالت اخوان صفا در خلال کتب تاریخ بچشم می‌خورد و بررسی آنها از حوصله گفتار خارج است و در اینجا تنها نظریه آنان را در باره تعلیم و تربیت افراد جامعه بویژه جوانان که مورد توجه خاص می‌باشند مورد بحث قرار می‌دهیم اخوان صفا نسل جوان را یگانه وسیله اصلاح جامعه می‌دانند و از این جهت سعی خود را در تعلیم و تربیت آنان بر اساس مبادی مذهبی و فلسفی بکار بسته و در انتخاب شاگردان لیاقت و شایستگی و حسن احترام بدستورات استاد را شرط نخستین پذیرش در جرگه خود دانسته‌اند و نیز برای آنان شرط سنی قائل شده‌اند که از پانزده سالگی آغاز و به سی سالگی ختم می‌گردد و تا آنجا که نویسنده بررسی کرده است هیچیک از مربیان اسلام را نیافته که برای تحصیل جوانان شرط سنی قائل شده باشد و این شرط تنها زائیده تفکر اخوان صفا می‌باشد زیرا اخوان صفا اتباع خود را بر مبنای سجایای نفسانی بچهار دسته تقسیم می‌نمایند :

۱ - اخوان الابرار و آنان جوانانی هستند مابین پانزده و سی سال که فطرت انسانی و سرشتشان پاک و دستخوش هوی و هوس نشده باشد و بر آنان است که بدون چون و چرا از

دستورات معلم خود پیروی کرده و مطیع و مستقاد او اسروی باشند .

۲ - اخوان الاخیار ، این دسته افرادی هستند که سن آنان ما بین سی و چهل سال باشد و در این مرحله از عمر قدرت استنباط مسائل علمی و رشد فضائل اخلاقی در انسان نمودار می گردد و شاگردانی که در این مرحله از تحصیل گام می نهند نقش مساعدت و مشارکت با استاد را ایفا مینمایند و می توان این دسته را مشابه دستیار استاد در نظام آموزشی عصر حاضر دانست .

۳ - اخوان الفضلاء الکرام ، این دسته اطلاق بر شاگردانی می شود که تقریباً بمرحله کمال رسیده اند و می توانند در عداد استادان خود قرار گرفته و با سوختن نواسیس الهی و اسرار جهان آفرینش وادیان آسمانی بپردازند .

۴ - دسته چهارم افرادی هستند که عمر آنها از پنجاه تجاوز نموده بعقیده اخوان صفا و بیجهان کشف و شهود گام نهاده اند و در همین مرحله است که انسان با سیر مراحل کمال بدرجه نائل می گردد که ملائک را آن درجه هرگز دست ندهد

رسد آدمی بجائی که بجز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

و در همین مرحله از کمال نفسانی است که انسان خود را مافوق ناموس طبیعت و شریعت احساس میکند که همان مرحله وصال در نزد عرفا است (ه)

اخوان صفا در ضرورت آسوختن بعدیث شریف نبوی «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» بسنده نکرده و تعلیم را تنها فراگیری

نمی دانند بلکه معتقدند که آسوختن باید با طهارت دل همراه باشد بنابراین آموزش و فراگیری هنگامی ثمربخش است که انسان را با فضائل و سجایای اخلاقی آشنا سازد و علم و عمل توأمأ در جهت تأمین سعادت و نیکنامی انسان قرار گیرند. چه دانش بدون عمل برای انسان و بالمال برای جامعه زیان بار است. اخوان صفا فرمودن قوای جسمانی را برای نیل بکارم اخلاق اسری ممدوح بلکه واجب می شمارند و تا اندازه ای از حد اعتدال میان نیازهای جسمانی و نفسانی که مطلوب شریعت اسلام است پافراتر نهاد و معتقدند که باید از علائق دنیوی بعد ضرورت برخوردار بود و احتیاجات زندگی مادی نباید مانع از کسب فضائل نفسانی شود .

چند خواهی پیرهن از بهر تن

تن رها کن تا نخواهی پیرهن

انسان باید بکوشد که بزندگانی ابدیت دست

یابد و مغرور و مظاهر و جلوه های دنیای فانی نگردد .

و برای یافتن طریق سعادت نباید تنها بدستورات شریعت اکتفا کند و با اصطلاح کور کورانه از بسادی

تبعیت کند بلکه خرد خود نقش مهمی در ارشاد

و هدایت آدمی دارد و خردمند آنست که بر

خواهشهای نفسانی و قوه غضبیه که مصدر و

منشاء همه رذائل و بدبختی ها است چیره شود و در

اینجا می توان طرز تفکر فلسفی یونان را در

نظریه اخوان صفا احساس نمود ، اخوان صفا

آموزش نظری را بدون درک مسائل منطقی

و آسوختن قواعد منطق بی ثمر می دانند و منطق را

بهترین وسیله برای شناخت مسائل علمی معرفی

سینمایند خلاصه آنکه اخوان صفا با آنکه در روش تعلیم و تعلم خرد و منطقی را پایه و اساس شناخت اشیاء قرار داده اند ولی سیر و سلوک نفسانی را نیز همگام با این روش امری ضروری دانسته اند زیرا معتقدند که دل‌های ناپاک و نفوس فاسد نمی‌توانند مدارج کمال انسانی را طی کنند مگر آنکه صفات پلید را از خود دور گردانند و این امر جز از راه تهذیب اخلاق و تطهیر نفس و خلاص از جهل و نادانی میسر و ممکن نباشد این مفاهیم فلسفی و عرفانی سرلوحه برنامه تعلیم و تربیت اخوان صفاست و در حقیقت می‌توان گفت که اخوان صفا در مسائل تعلیم و تربیت تا اندازه زیادی تحت تأثیر تفکر فلسفی جماعت فیثاغورث یونان قرار گرفته‌اند، اخوان صفا بمنظور اصلاح اوضاع اجتماعی جوانان را به آموزش فلسفه دعوت و تشویق نمودند تا از این راه زمینه را برای بهبود اوضاع اجتماعی که در فساد غوطه ور بود هموار کنند و از سوی دیگر آنانرا برای نیل بمدارج عالی‌روحانی تربیت نمایند و همانگونه که اشاره نمودیم آموزش جوانان از سن پانزده سالگی آغاز می‌گردد و تا سن پنجاه سالگی ادامه خواهد یافت و سپس آموزندگان در نتیجه احراز صلاحیت تدریس در جرگه استادان درآمده و بتعلیم و آموزش دیگر جوانان می‌پردازند.

علوم اخوان صفا مشتمل بر علوم فلسفی و علوم شرعی است و علاوه بر آن هر متعلمی باید با راهنمایی استاد به سلوک نفسانی بپردازد و این سیر روحانی کاملاً جنبه سری دارد و کیفیت آن

برای افراد عادی و اشخاصی که به این گروه نه پیوسته‌اند ناشناخته می‌باشد (۶) و شایان توجه آنکه طرز تفکر تربیتی اخوان صفا را نمی‌توان نوع تفکر تربیت اسلامی محض بشمار آورد لذا مسائل تربیتی این گروه بازتابی از فرهنگ و معارف قرن چهارم هجری است که بزعم اخوان صفا از یک برنامه منظم علمی برخوردار نبوده است و بالتسلیح بمنظور نظم و تنسیق مسائل علمی آنروز در صدد برآمدند که بین فلسفه و عقائد اسلامی تلفیق بوجود آورند بنابراین سبادی تربیتی اخوان صفا رنگ سبادی فلسفی دارد و اهم این سبادی عبارتند از:

- ۱ - آموزش برای فرد از افراد بشر امری ضروری است زیرا شناخت مسائل علمی انسان را به شناخت ذات حضرت پروردگاری سوق می‌دهد و همچنین نفس انسانی را پاک و سزده می‌گرداند و او را بر مرتبه کمال ربانی می‌رساند و انسان نادان از سرتیبه حیوان نیز فروتر می‌باشد.
- ۲ - مسئولیت اجتماعی و اخلاقی فرد

در برابر جامعه مستلزم آنست که نفس ناطقه را با اندوختن دانش تقویت نموده و به پاس و شکرانه نعمت فضل و دانشش موظف است که دیگران را نیز تعلیم دهد و از این راه به بارگاه جلال خداوندی تقرب جوید و معلم و متعلم هر گز نباید در پی منافع شخصی خود باشند و تنها به دریافت پاداش مادی قانع نگردند و هدف مقدس تعلیم از خاطر دور نکنند و رضوا و خوشنودی ایزد متعالی را نصب العین خود سازند و بدین ترتیب مشاهده سینمایم که مسأله پاداش و باصطلاح

حق التدریس در مکتب اخوان صفا مفهومی ندارد و تعلیم را بعنوان واجب عینی برای هر فرد دانا و دانشمند فرض می‌داند .

۳ - طلب علم بزمان و مکان محدود نمی‌گردد و هر انسانی باید تا سن پنجاه سالگی بتحصیل علم اشتغال ورزد و بعبارت دیگر انسان خواه در کسوت استادی و یا کسوت شاگردی لحظه از مطالعه غفلت نکند و باید که علوم را بگونه تقسیم نمود که فراگیری آنها با سن دانش پزوه تناسب و یافکر و میزان درک وی ستخیت داشته باشد و چنانچه فردی در فراگیری ساطله نماید در انجام وظیفه مقدس خود قصور ورزیده و از زمره اخوان صفا بشمار نمی‌آید .

۴ - علاقه و شوق به تحصیل یکی از عوامل مهم پیشرفت شاگردان است و استادان باید در کشف استعداد شاگرد و شکوفه ساختن آن بکوشند و هر شاگردی را در منزلت و رتبتی که شایسته او است بنشانند و در درس بیش از حد قدرت و توانائی شاگرد سخن نگویند .

۵ - تعلیم برای همه افراد یکسان آغاز می‌گردد و سپس افراد شایسته و متعدد رفته رفته از دیگران فاصله گرفته و مدارج علمی را با کوشش و بردباری طی می‌نمایند و بعبارت دیگر از مرحله نقل و حفظ مطالب که بوسیله حس سامعه و باصره صورت می‌گیرد به مرحله استنباط و شناخت می‌رساند و بدین ترتیب دودسته دانش - آموختگان یکی عاقله و دودیکر خاصه بوجود می‌آید و این اصطلاح تقریباً مشابه تحصیلات

مقدماتی و تحصیلات عالی دانشگاهی در نظام آموزشی عصر ما است پس هرگونه امتیاز برای فرد در جامعه سوکول به میزان کوشش و زحمت وی در راه تحصیل علم می‌باشد .

۶ - باید که ترتیب اهم فالا هم را در آموزش سراعات نمود و بطور کلی باید برای آموختن هر علم قبلاً زمینه را آماده ساخت و ذهن شاگرد را با آن آشنا کرد و علمی که پایه و مقدمه برای علم دیگر است مقدم می‌باشد مثلاً اخوان صفا علوم ریاضی را بر علوم طبیعی و علوم طبیعی را بر علوم ساوراا الطبیعه مقدم داشته و سپس علوم شرعی را تا آخر از همه آنها آورده‌اند .

۷ - شاگردان باید بوسائل مختلف تشویق شوند تا از سر رغبت بر رقابت برخیزند و این تشویق در هر دوره و زمان متناسب با سطح اطلاعات دانش آموز تغییر پذیر است و مساله تشویق و ستایا تنبیه یکی از مسائل مهم تربیتی است که کارشناسان اسورتربیتی را در جهان امروز بخود معطوف داشته و این اسر می‌رساند که اخوان صفا تا چه اندازه روشنفکرو از اسالیب تعلیم و تربیت آگاه بوده‌اند .

۸ - استاد باید برنامه درس خود را قبل از آغاز تحصیل تهیه و تنظیم کند و بسر قبل از آغاز تحصیل تهیه و تنظیم کند و بسر خود عرضه کند تا آنان با آسادی بیشتر از محضر استاد استفاده کنند و از سوی دیگر اثر مطلوبی در اذهان شاگردان بجای می‌گذارد و با استاد با دیده تعظیم و تقدیس می‌نگرند زیرا



جمال الدین قنطی ص ۵۸ چاپ قاهره .

(۴) الحضارة الاسلامیة تألیف بار تسولد  
ترجمه احمد طاهر ص ۵۰ چاپ قاهره

(۵) رسائل اخوان الصفا ج ۴ ص ۱۱۹ ،  
۱۲۰ چاپ قاهره .

(۶) این نوع روش تعلیم عقائد در میان  
طائفه دروز در لبنان و سوریه هنوز متداول  
می باشد و شایان توجه آنکه هویت این طائفه  
کاملاً روشن نیست و علت اساسی آن در کتمان  
نگاهدان این اصول معتقدات مذهبی است

اورا فردی منظم و آماده خدمت به علم می شناسند .  
۹ - استاد بمنزله پدر روحانی  
دانش آموزان است و ارتباط و علاقه وی به  
آنان بیش از فرزندان خودش می باشد و این  
رابطه معنوی موجب می گردد که استاد با  
رعایت امانت و دلسوزی دانش آسوز خود را  
تعلیم دهد و در تربیت او سعی بلیغ مبذول  
دارد ، استاد در مکتب اخوان صفا از احترام  
خاص برخوردار است و او را قائد و رهبر نام می دهند  
۱۰ - دانش آسوز موظف است که او اسر  
استاد خود را بجان و دل بپذیرد و احترام او را  
لازم شمارد و باید بداند که مقام ابوت روحانی  
برتر از مقام ابوت جسمانی است .

این بود گفتار کوتاهی در باره ویژه گیهای  
تعلیم و تربیت در مکتب اخوان صفا که بخواهندگان  
گرامی مجله «مکتب مام» معروض افتاد  
و امید است که این نویسنده با بضاعت سزجات  
توانسته حق مطلب را آنگونه که بایسته است  
ادا کرده باشد .

(۱) برای آگاهی بیشتر به مقاله نویسنده  
بعنوان «جماعة اخوان الصفا و اثر هم فسی  
تظویر القصة علی لسان الحيوان» در مجموعه  
«بحوث و مقالات» که بسعی و اهتمام همکار  
گرامی آقای دکتر عبدالمهدی یادگاری فراهم  
آمده مراجعه نمایند (چاپ قم چاپخانه اسلام)

(۲) الامتاع والمؤانسة تحقیق احمد أسین  
ج ۴ ص ۱۰۷ چاپ قاهره

(۳) اخبار العلماء باخبار الحکماء تألیف